



# امامت و رهبری در قانون اساسی

قسمت بیست و هفتم

حجة الاسلام والمسلمین اسدالله بیات

باشد.

در اصل یک که به عنوان اصول کلی مطرح شده است چنین آمده است:

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

در بند پنجم اصل دوم چنین آمده است:

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی. در اصل پنج فرموده است:

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل، و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

در اصل پنجاه و هفتم چنین می‌خوانیم:

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

در فصل هشتم که عمدتاً درباره رهبری و انتخابات خیرگان رهبری و وظایف وی می‌باشد در اصول متعدد چنین می‌خوانیم:

## ب: امامت و رهبری در قانون اساسی

با توجه به اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با استناد به اصول متین و محکم قرآنی و اسلامی و نظرات فقهی فقهاء بزرگ اسلام بالأخص حضرت امام (س) تهیه و تدوین شده است و بصورت یک مجموعه کامل و جامع درآمده است و روی تک تک کلمات و عبارات آن خیرگان امین امت اسلام و انقلابی دقت و تأمل فراوان به عمل آورده و با کارشناسی دقیق تنظیم شده است و به تأیید امام امت اسلام (س) رسیده و مورد رأی اکثریت قاطع و متمهد امت انقلابی و مسلمان ایران واقع شده است می‌تواند بعنوان یک مستند قوی و معتبر در موضوعات گوناگون و مختلف که در آن مطرح شده است مورد استناد و استدلال قرار گیرد زیرا که زیربنای قوانین موضوعه و مقررات و دستورالعملهای اجرایی یک کشور اسلامی و انقلابی می‌باشد، و تمامی دخلها و خرجها و رأی گیرها و مخالفتها و انقطاع و پذیرفتن مسئولیتها در هر درجه و موقعیت که باشد طبق قانون اساسی صورت گیرد و اگر خلاف آن باشد مشروع نمی‌باشد و لذا یکی از مسائل و موضوعات مهمی که برای ما مطرح است و در قانون اساسی از جایگاه بالائی برخوردار است امامت و رهبری امت اسلامی است و بطور اجمال به مواردی که در آنها موضوع رهبری و امامت مطرح شده اشاره می‌شود.

در مقدمه قانون اساسی چنین آمده است:

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجازی الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود

اصل بکصد و هفتم: پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خیرگان منتخب مردم است، خیرگان رهبری در باره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می کنند هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی با دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را بعنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند. رهبر منتخب خیرگان، ولایت امر و همه مسئولیتهای ناشی از آن را برعهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل یکصد و هشتم: قانون مربوط به تعداد و شرایط خیرگان، کیفیت انتخاب آنها و آئین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهائی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خیرگان در صلاحیت خود آنان است. از ملاحظه این اصول و جمع بندی آنها مطالب زیر بعنوان نتیجه به دست می آید:

الف: رهبری امت اسلام و ولایت بر آنان نقش بسیار والا و بالائی داشته و موجب استمرار حرکت انبیاء الهی و تداوم انقلاب اسلامی است و لذا همیشه از یک افق برتر و بازتر به مسائل جهانی نگاه کرده و بدون اینکه در چارچوب دیپلماسی و مقررات حاکم بر جهان محصور بماند حرکت انقلابی امت اسلامی را در سراسر جهان رهبری و هدایت نموده و زمینه ساز وحدت امت اسلامی در جهان می باشد.

ب: اعمال رهبری و ولایت امر در نظام اسلامی بصورت مجرد و ذهنی محض نبوده بلکه کاملاً عینی و قابل لمس و تجربه می باشد و می توان آن را در صورت و قالب قوای سه گانه قانون گذاری و اجرایی و قضائی پیاده کرد و با حفظ استقلال آنها به صورت هماهنگ زیر نظر ولایت امر و هدایت رهبری امت اسلامی وظایف خودشانرا انجام دهند.

ج: در نظام اسلامی با توجه به اینکه همه در برابر خدای یگانه تسلیم بوده و بنده اویند و حاکمیت اصلی و علی الاطلاق از آن خداوند است و انسان در زمین جانشین وی می باشد و در چارچوب اصول و احکام مسلمة اسلامی باید به زندگی خویش ادامه دهند کسی و

مقامی برتر از قانون نمی باشد و همگان و تمامی مقامات حتی رهبری در برابر قانون یکسان بوده و با همه برابر می باشند.

د: در دوران عدم حضور و غیبت امام عصر «عجل الله تعالی فرجه» مردم نمی توانند بلا تکلیف بمانند و به صورت رها و بدون حکومت زندگی نمایند زیرا که هرج و مرج و فساد اجتماعی و دهها مشکلات بوجود می آید. بالطبع باید حکومت صالح و نیرومندی که بتواند نیازهای آنانرا برطرف کرده و به خواسته های آنان لباس عمل بپوشاند روی کار آید و در خدمت مردم قرار گیرد. طبق اصول و معیارهای موجود که در اختیار داریم چنین حکومتی باید زیر نظر فقیه عادل و صالح و خود ساخته و وارسته و آگاه به شرایط زمان تشکیل و اداره شود و لذا قانون اساسی می فرماید امت اسلامی باید با هوشیاری و دقت کامل از میان علما و فقیهان صالح فردی را که دارای برجستگی خاصی می باشد انتخاب نمایند و مسئولیت را به عهده وی واگذار کنند. بنابراین مردم افراد صالح و امین و آشنا به زمان از خیرگان را انتخاب می نمایند و از روی آگاهی کامل و با حفظ آزادی آنان مردم به سراغ خیرگان واقعی می روند و خیرگان را برمی گزینند و آنان نیز رهبری را طبق چارچوبی که در اصول قانون اساسی آمده است انتخاب می نمایند و از همین جا بدست می آید اختیاراتی که ولی فقیه دارد و طبق مقررات و ضوابط اسلامی می تواند از آنها استفاده نماید در صورتی است که از این طریق که در قانون اساسی آمده است انتخاب صورت پذیرد و در واقع اختیارات اصلی مال مردم است و مردم در چارچوب اصول اسلام فردی را از طرف خودشان به عنوان وکالت و رهبری انتخاب می نمایند. و رهبر در چارچوبی که اسلام معین کرده است برای هدایت و سعادت امت اسلام تلاش می نماید. بنابراین رهبری، مورد انتخاب مردم و ملت است اما با یک واسطه، ابتدا مردم خیرگان را برمی گزینند سپس آنان رهبری را انتخاب می نمایند.

ه: خیرگان مردم که مسئولیت انتخاب رهبری را بعهده دارند به اندازه خود رهبری از موقعیت و جایگاه مهمی برخوردار است. علاوه بر اینکه از شرایط ویژه علمی و پیشی و آگاهی خاص اعتقادی و سیاسی باید برخوردار باشند در میان مردم باید دارای مقبولیت عامه نیز بشوند زیرا که هر اندازه آنان از مقبولیت کمتری برخوردار بشوند به همان اندازه در پذیرش رهبری از ناحیه مردم که شرط مهمی در امامت و رهبری امت اسلام محسوب است تأثیر خواهد داشت و شاید یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در نفوذ فوق العاده حضرت امام (س) در میان امتهای اسلامی و بلکه در دنیای مستضعفان همین معنا بوده است که ایشان دارای مقبولیت فوق العاده قوی و عمیق و عام بوده اند و مطمئناً در

این مقبولیت علاوه بر خصوصیات روحی و اخلاقی و رفتاری خود فرد و صاحب مقام و موقعیت اجتماعی نقش هواداران و مدافعان و برگزیدگان را نمی‌توان نادیده گرفت و غیر مؤثر دانست. روی این حساب اعضاء خیرگان غیر از اینکه باید از شرایط علمی و قدرت تشخیص در سطح بالاتری برخوردار گردند باید در میان مردم معروف به اخلاق و صلاح و سداد و خدمتگزاری به مردم و انقلاب و امت اسلامی باشند و خدای ناکرده اگر کسی در این جهت از سلیقه خوبی برخوردار نبود و با اعمال کج سلیقه‌گی بکوشد رابطه مردمی خیرگان را ضعیف‌تر نماید و یا قطع کند بزرگترین خیانت را بر نظام مردمی و اسلامی وارد کرده است.

و: رهبری در قانون اساسی دارای شرایط ویژه بوده و هر کسی نمی‌تواند داعیه رهبری را داشته باشد و این شرایط که در اصل یکصدونهم آمده است کما اینکه در ابتدا معتبر است و در اعطاء این مسئولیت حدوداً لازم است مورد لحاظ قرار گیرد در استمرار و استدامه آن نیز مشروط بوده و لازم الاعتبار است و لذا اگر خدای ناکرده فردی پس از آنکه واجد شرایط رهبری تشخیص داده شد و خیرگان وی را برگزیدند و مسئولیت رهبری را به وی محول نمودند سپس وی بعضی از آن شرایط و یا همه را از دست داد و یا فردی جامع‌تر و کامل‌تر تشخیص داده شد طبعاً رهبری از آن کسی خواهد بود که واجد شرایط بیشتر و کاملتری بوده باشد و این معنی در اصول یکصدونهم و یکصدویازدهم به روشنی چنین آمده است:

اصل یکصدونهم: شرایط و صفات رهبر:

- ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.
- ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.
- ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی

۱- نصف القول - صفحه ۲۳۷.

## تربیت کودک

حضرت علی (ع) به امام مجتبی (ع):

«وَأَمَّا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ. مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَجَادَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ وَتَشْتَعِلَ لُبُّكَ».

(مستدرک - ج ۳ ص ۷۱)

قلب بچه نوره مانند زمین خالی از بذر و گیاه است. هر تخمی که در آن افشاند شود بخوبی می‌پذیرد و در خود می‌پرورد. فرزند عزیز، از دوران کودکی تو استفاده نمودم و خیلی زود در پرورش تو قیام کردم پیش از آنکه دل تربیت پذیرت سخت شود و مطالب گوناگونی عقلت را اشغال نماید.